

إثنا عشر رسالة

[11] حق وانكشاف بطلان باطلی است پس تواند بود که ظن مجتهد که در دین نشأ قایم است بنفس أو موافق ثواب نبوده باشد وبعد از موت خطأ آن ظن منکشف شود پس اعتقاد وقائم بنفس مجتهد که متبع است باقی نماند واستصحاب بقاء آن اعتقاد بطریق زمان حیات معقول اینست چه در استصحاب بقاء موضوع بر حال خود معتبر است چنانچه در مقام خود مقرر ومبین شده است پس حال موت را بحال حیات مقایسه کردن بی بصیرت نیست واز اینجهت موت مجتهد موت وجوب اتباع ظن اوست واین نکته لطیف ودقیق واز نظر عین غیر مستمهر مستور ومحجوب است وچون مجتهد در عصری متعدد باشد واجبست بر مقلد که تابع اعلم ومقلد أو بوده باشد واکر در علم متساوی بوده باشند تقلید اورع لازم است واکر در ورع نیز متساوی بوده باشند مقلدین در تقلید هر کدام از ایشان که اختیار کنند مختارند وحق آنست که همچنانکه بمقتضای عنایت ورحمت ولطف وحکمت واجبست که ا □ تعالی عصر را از مجتهد خالی نگذارد وهمچنین واجبست که بعنایت الهی (مجتهد) که اعلم یا اورع مجتهدین عصر بوده باشد مفقود مقلدین نباشد وخیر تحقیق اینمسألة علم اصولست وثبوت اجتهاد ومجتهدین
